

«سرپر از عسل» در شبکه نمایش

علاقه‌مندان به دیدن فیلم‌های خانوادگی می‌توانند فیلم «سرپر از عسل» را امروز ساعت ۱۵ از شبکه نمایش تماشا کنند. این فیلم که در ژانر کمدی و درام به کارگردانی تیل اسویگر ساخته شده است و داستان آن -که محصول سال ۲۰۱۸ و کار مشترک آلمان و آمریکااست- درباره دختری به نام تیلداست که قبل از این‌که پدر و مادرش بخواهند پدریزگ محبوسش را به دلیل بیماری آلزایمر به خانه سالمندان

برند، تصمیم می‌گیرد او را به آخرین ماجراجویی‌اش ببرد؛ تصمیمی که خانواده‌اش را تا مرز از هم پاشیده شدن پیش می‌برد. ماجرا از این قرار است که آمادئوس، دامپزشکی بازنشسته است که پس از مرگ همسرش ماکارت، پسرش نیک متوجه حواس‌پرتی او شده و آمادئوس را با خود به خانه‌اش می‌برد. سارا (همسر نیک) نمی‌تواند با کارهای آمادئوس کنار بیاید

و مدام با آمادئوس دعوا دارد و این دعوها باعث می‌شود که نیک تصمیم بگیرد آمادئوس را به آسایشگاه ببرد. تیلدا، نوه آمادئوس که دخترپچه‌ای دبستانی است از دکتر خود شنیده که شادی باعث بهبود آلزایمر می‌شود، به همین دلیل تصمیم می‌گیرد پدریزگش را به ونیز که سال‌ها پیش برای ماه عسل رفته بردد و نیک نولت، مت‌دیون و امیلی مورتیمر بازیگران این فیلم هستند.



محیا دهقانی، بازیگر سریال «مستوران» در گفت‌وگو با «جام‌جم» مطرح کرد

زن ایرانی سایه‌نشین نیست



زینب علیپور هورانی آگروه رسانه

اگر از مخاطبان شبکه یک باشید، قطعاً با نام سریال «مستوران» که فصل دوم آن این روزها روی آنتن است آشنا هستید و می‌دانید که مبنای مستوران حکایات و افسانه‌های ایرانی است. همین ویژگی به همراه داستان سرگرم‌کننده، ریتم نسبتاً خوب و بازی قابل‌قبول بازیگران موجب شد تا فصل اول با اقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه شود و تولید این سریال به فصل دوم برسد. مجموعه‌ای که به نوعی ادای دین به ادبیات کهن ایرانی است و مخاطب با داستان‌های شیرین ایرانی در خلال قصه اصلی مواجه می‌شود که او را با خود به افسانه‌ها و داستان‌های دوران کودکی می‌برد. این مجموعه از حضور بازیگران توانمندی هم بهره گرفته که هرکدام به نوعی پیشینه تئاتری دارند و تمام تلاش‌شان را کرده‌اند تا بازی درست و متفاوتی را ارائه بدهند. ازجمله محیا دهقانی که در این سریال نقش ماه‌منیر، دختر حاکم مستوران را بازی می‌کند. وی که این اواخر در سریال «نجلا» هم حضور داشت، در این سریال بازی روان و متفاوتی را ارائه کرده که این تفاوت را می‌توان در لحن، صدا و بازی او به خوبی دید. دهقانی ساعتی را مهمان جام‌جم شد و به سؤالات ما پاسخ داد که شاید خواندن آن برای شما هم خالی از لطف نباشد. پس در این گفت‌وگو همراه ما باشید.

این اواخر در دو مجموعه‌ای حضور پیدا کردید که باید گفت جزو پرچالش‌ترین و سخت‌ترین اسما جداب‌ترین کارها و نقش‌هایی بود که تا به امروز بازی کرده‌اید؛ یعنی سریال‌های نجلا و مستوران. شاید همین موضوع باعث شد ابتدا حضور در مستوران را نپذیرید اما قصه و نقش ماه‌منیر شما را با خود همراه این پروژه کرد.

در این باره توضیح می‌دهید؟

زمانی که با من تماس گرفتند و سیناپس کار را برای من فرستادند، من فیلمنامه را دوست داشتم. اما وقتی برای صحبت درباره کار رفتم، به دلیل این‌که کار تارخیتی بود و من تازه نجلا را تمام کرده‌بودم و نیاز به استراحت داشتم، می‌خواستم بگویم نه که همان روز با صحبت‌هایی که با تهیه‌کننده و کارگردان داشتم و با دیدن دو قسمت از فصل یک مستوران، همان جا قرارداد را امضا کردم. به نظرم کار بسیار متفاوت و فضایی هم به ذهنیت من خیلی نزدیک بود و این‌که، از کهن الگوها بود و یک سری چیزهایی که در دوران دانشجویی برای ما سؤال ایجاد شده‌بود که چرا درباره شاهنامه یا هزارویک‌شب و از این دست کارها ساخته نمی‌شود؟ اما وقتی دیدم این اتفاق و فرایند را تیم سازنده رقم می‌زند، بنابراین پذیرفتم و حددی‌ک ماه و نیمی‌که تا آغاز فیلمبرداری زمان داشتم، تمرین می‌کردم و مدام با تهیه‌کننده و کارگردان صحبت می‌کردم و دوست داشتم شخصیت ماه‌منیر را فراتر از دختر حاکم ببینیم. پیشنهادی که خیلی دوست داشتم و مطرح کردم این بود که باید ارتباط این دختر با مردم باشد.

منظورتان این است شخصیتش مخالف پدرش باشد که چندان حاکم خوب و مردمی نیست؟

بله. دقیقاً پیشنهاد این بود که برخلاف پدرش باشد و رفتار کند. یعنی ناگزاری کند و بچه‌ها را به کاخ دعوت کند و با آنها وقت بگذرانند. کاری که پدرش اصلاً انجام نمی‌دهد. نکات دیگری هم بود که به هر حال در قسمت‌های آینده با آنها مواجه می‌شوید. به نوعی این کاراکتر از تیپ به شخصیت تبدیل شد.

یکی از نکات مهمی که در قصه این سریال وجود دارد، حضور زنان قدرتمند و تاثیرگذاری است که شخصیت‌های مستقل و محکمی دارند. چیزی که شاید خیلی شبیه به زنان ۵۰۰ سال پیش نباشد اما جزو نکات مثبت و مهم این سریال محسوب می‌شوند. ماه‌منیر هم از این قضیه مستثنا نیست و به همین دلیل مخاطب با دختر یکی‌یک‌دانه حاکم روبه‌رو نیست. بلکه با یک دختر محکم و مستقلی روبه‌روست که همسرش را خودش

انتخاب می‌کند و گویا قرار است دست به کارهای دیگری هم بزند.

اصلاً یکی از جذابیت‌های این کار برای من همین نکته بود. این‌که او نفر اول یک موضوعی است که باعث می‌شود دغدغه‌اش صرفاً عاشقانه‌ها و دل‌دادگی نباشد. او می‌تواند حرف بزند و ایده داشته‌باشد و به عنوان یک زن قدرتمند عمل کند و حتی مثل هر انسان دیگری در این مسیر اشتباهاتی هم داشته‌باشد. اساساً زن ایرانی سایه‌نشین نیست. من فکر می‌کنم در این سریال به زن‌ها ارزش داده شده و مانند اغلب کارهایی که می‌بینیم زن‌ها در سایه نیستند، چون پشت این کار پر از تحقیق و پژوهش است و به یک سناریو تبدیل شده و بعد به مرحله تولید رسیده‌که خروجی این کار زحمت همه عوامل است.

خودتان هم در بحث تحقیق و پژوهش فعالیتی داشتید؟ منظور این است که برای نزدیک شدن به فضای آن دوران و آدم‌هایی که در آن زمان زندگی می‌کردند و ادبیات و فرهنگ آن سال‌ها، مطالعه داشتید یا این‌که به فیلمنامه و هدایت کارگردان برای رسیدن به این نقش و این فضا پسندة کردید؟

اتفاقی که افتاد این بود که من زمان و مکانی برای این قصه در نظر نگرفتم. یعنی به منابعی رجوع نمی‌کردم که برای زمان و مکانی را تعریف کند، چون این سریال یک رئالیسم جادویی و برگرفته از تخیلات بشری است. به همین دلیل به عنوان بازیگر، دوست داشتم با تخیل خودم این کاراکتر را بسازم. حتی برای صدای این شخصیت یک تعریفی داشتم. همچنین سعی کردم برای نگاه و زبان بدن این شخصیت هم تفاوت را ایجاد کنم.

با توجه به قیاسی که می‌توانیم از نقش‌های شما داشته‌باشیم، می‌توانیم بگوییم بیانی که برای این شخصیت طراحی کرده و در نظر گرفته‌اید، کاملاً متفاوت از کارهای قبلی شماست؟

شاید برای‌تان جالب باشد بگویم که با یکی از دوستانم قسمت دوم سریال را تماشا می‌کردیم که از من پرسید محیا روی صدای تو صداگذاری کردند؟ گفتم نه صدای خودم بود. با تعجب گفت خیلی متفاوت است. می‌توانم بگویم برای صدای ماه‌منیر هم طراحی کردم. چون بخشی از کار به صدا، گریم، لباس و میزاسن کارگردان و پارتنری که مقابلت بازی می‌کند، برمی‌گردد، همه اینهاست که یک شخصیت را می‌سازد و هر کدام از آنها را بگیري کاراکتر ناقص می‌شود. به همین دلیل است که برخی بازیگران روی دور تکرار می‌افتند و مخاطب متوجه می‌شود این بازیگر در یک کار دیگر فقط لباسش تغییر

می‌کند و به همان شکل کار قبلی بازی می‌کند، به همین دلیل برای من به عنوان بازیگری که این همه سال کار کرده، امروز روزی است که می‌تواند از این فرصت استفاده کند و خودش را محک بزند. ضمن این‌که مخاطب باید باور کند تو برای این زمان نیستی و برای آن دوران هستی. من به عنوان بازیگر این تصور را داشتم و تلاشم را هم کردم که به شخصیت ماه‌منیر جان بدهم.

نمونه و الگویی هم در این زمینه نداشتید که بخواید با الهام از آن شخصیت ماه‌منیر را برای خودتان بسازید. بنابراین همین موضوع هم کار شما را سخت می‌کرد.

البته من شبیه بودن را دوست ندارم. اما خب کاری پیش از مستوران به این شکل و در این فضا ساخته نشده بود. به نظرم آدم باید اشتباه باشد، اما شبیه نباشد. سر سریال «نجلا» هم این اتفاق افتاد. من اصلاً گویش و لهجه آبادانی بلد نبودم. اما این چالش برام خیلی لذت‌بخش بود. چون در این اتفاق، قدرت بازیگر بالا می‌رود و به کاراکترش کمک می‌کند. ماه‌منیر هم با آن ادبیات و صداست که جواب می‌دهد. در نجلا هم جواب داد. یعنی بازیگر موظف است همان‌طور که به تحلیل شخصیت فکر می‌کند، به زبان و بیانش هم فکر کند. حالا این بیان و زبان با هر کاراکتری تغییر می‌کند. من سعی کردم نکاتی را که استادان مختلف در این راه به من یاد دادند، امروز به کار بگیرم.

خودتان چقدر به اسطوره‌ها علاقه دارید؟ این‌که خودتان را در فضای داستان و افسانه‌ای می‌بینید که زمانی در کودکی فقط شنونده آن داستان‌ها بودید چقدر برای‌تان جذاب است؟

من «لیلی و مجنون» و «پیژن و منیژه» را خیلی دوست داشتم. همیشه در ذهنم به این فکر می‌کردم که چطور می‌شود در صحنه تئاتر من این را در یک تک لوکیشن از نگاه مجنون ببینم. البته این موضوع به سال ۱۳۹۱ برمی‌گردد. بنابراین وقتی فیلمنامه مستوران را خواندم، برام جالب بود که به همان چیزی که فکر می‌کردم اتفاق افتاده است.

چقدر لازم است ما برای نسل نوجوان و جوان امروز گریزی به ادبیات کهن فارسی نزنیم و قصه‌ها و افسانه‌ها را در قالب سریال به تصویر بکشیم؟

به نظرم این به تخصص افرادی برمی‌گردد که دست به قلم و نویسنده هستند. به هر حال نگارش متن چنین آثاری کار سختی است. این‌که مستوران، یک اتفاق رئالیسم جادویی است و در عین حال می‌بینید که پشتوانه آن چه تحقیق و پژوهشی است، با این حال خیلی ساده می‌گوید: «یکی بود یکی نبود»، یک نویسنده ما هر می‌تواند چنین کاری را انجام

نکته

اگر سکوت کنم، آدم بی‌رحمی هستم

دهقانی درباره واکنش خود نسبت به حادثه تروریستی کرمان که جنجال برانگیز شد به جام‌جم می‌گوید: من هیچ نگاه سیاسی به هیچ چیزی ندارم. چون نه سوداش را دارم و نه آگاهی اش را دارم. اما وقتی در جامعه هستم و در جهان یک اتفاق تروریستی می‌افتد محکوم است. چون خیلی بسیاری از مردم بی‌گناه ریخته شده است و من در چنین مواقعی اگر بخواهم سکوت کنم آدم بی‌رحمی هستم. چون اینجا مسئله انسانیت مطرح است. اگر امروز بلای سر من بیاید و تو خوشحال شوی، تو انسان نیستی. حتی اگر دشمن من باشی، از قدیم هم می‌گویند برای دشمنان آرزوهای خوب کن. من برای حادثه کرمان هم فقط تسلیت گفتم. جهان هستی هوشمند است و از هر دستانی بدهی از همان دست می‌گیری. بنابراین باید حقیقت را گفت. هر چند که به مذاق عده‌ای تلخ باشد و خوش نیاید. من هم به عنوان یک انسان احساسم را گفتم. چون آن زن و مرد و کودک گناهی نداشتند.

خاطرات کاغذی

جست و خیز در دفتر یادداشت

مریم فلاخ: بچه میمون شیطان و بازیگوش و پیرمردی با محاسن سفید در میان نوشته‌های صفحات دفتر یادداشت برای خودشان ماجراها داشتند. معمولاًهمه چیز با شیطنت وکلک‌های میمون کوچولو شروع می‌شد. خاصه که تک‌تک حروف انگلیسی و حتی خطوط دفتر هر روز شاهد سروکله زدن این دو شخصیت سیاه و سفید بودند. حتی گاه این حروف بی‌آبراب و وسیله مبارزه‌ی دو می‌شدند. البته گاهی هم دست از کم کردن روی هم برمی‌داشتند و از در صلح و دوستی درمی‌آمدند؛ در این شرایط می‌دیدیم که حروف نوشته شده وسیله بازی و تفریح‌شان شده. مثلاً وقتی حرف "ل" چوب بازی‌هاکی و نقطه حرف "ا" توپ بازی می‌شدند.در همه‌حال هدف سازندگان اثر بر این بوده که در جریان معاشرت و مراودات مثبت و منفی میمون و پیرمرد کلاه بوقی آنچه عاید مخاطب کودک می‌شود، قرار گرفتن در جریان آموزش و یادگیری حروف انگلیسی باشد.

«جست و خیز در دفتر یادداشت» با عنوان اصلی Igraszkiz w zeszytcie و عنوان انگلیسی Games: in a notebook محصول کشور لهستان بود. این مجموعه کارتوننی آموزشی سال ۱۹۶۶ به کارگردانی ریچارد اسلاچینسکی دراستودیو فیلم مینیا‌تور لهستان تولید شد.



کیوارتدرا اسکن کنید

پخش

«پس از باران» در راه آی فیلم

آخرین قسمت سریال «بانوی عمارت» پنجشنبه ۲۸ دی روی آنتن می‌رود و با پایان این سریال مجموعه تلویزیونی «پس از باران» به کارگردانی سعید سلطانی از روز جمعه ۲۹ دی روی آنتن شبکه آ آی فیلم می‌رود. این سریال محصول سال ۱۳۷۹ داستان زوجی است که در راه سفر به گیلان و در اثر يك سانحه رانندگی جان می‌یازند. فرزندان آنان که به اتفاقی بودن مرگ والدین خود مشکوک‌اند، با مرور دفتر خاطرات مادر بزرگشان شهربانو، از سرگذشت او آگاهی می‌یابند و اطلاعات بیشتری از گذشته خانواده‌شان به دست می‌آورند. اسماعیل عقیقه تهیه‌کنندگی «پس از باران» را بر عهده داشته و مرجان محشتم، محمود پال‌نیت، کنایون ریاحی، شهاب حسینی، صبا کمالی، حامد کلاه‌داری، مهوش صبرکن و زنده‌یادان نادیا دلدار گلچین، کیومرث ملک‌مطیعی، نیکو خردمند و محمود مقامی از جمله بازیگران این مجموعه تلویزیونی هستند. سریال پس از باران از جمعه ۲۹ دی هر شب ساعت ۲۲ از شبکه آی فیلم فارسی پخش می‌شود و تکرار آن نیز در ساعت‌های ۱۴ و ۶ روز بعد خواهد بود.



پنجره

همراه با فصل سوم «کار خونه»

سومین فصل از مستند «کار خونه» با محوریت حمایت از مشاغل خانگی به‌عنوان کسب‌وکارهایی که در جهت ایجاد درآمد در خانواده نقش مهمی ایفا می‌کنند، آغاز شد. نخستین قسمت از فصل اول برنامه کار خونه روایت داستان زندگی پرفرازونشیب سیده مریم یوسفی اهل استان مازندران، شهر ساری بود که توانسته با توجه به ظرفیت‌ها و فضاهای موجود در شهر ساری و روستاهای اطرافش مانند بخش مرکزی دودانگه، کپاسرو... باعث ایجاد اشتغال‌زایی برای خود، اعضای خانواده‌اش و همچنین ۲۰۰ نفر از بانوان این خطه در حیطه قالیبافی شود. از بین ۲۰۰ بافنده‌ای که با ایشان همکاری می‌کنند، صد بانو جزو زنان تحت پوشش کمیته امداد هستند. خانم یوسفی به عنوان راهبر شغلی با کمیته امداد امام خمینی (ره) نیز همکاری می‌کند. کار خونه کاری است از گروه خانواده به تهیه‌کنندگی علی اکبر کریمی، کارگردان رضا داستانی و با مدیریت هماهنگی آناه‌ه پهرامی که به صورت روتین پنجشنبه‌ها ساعت ۲۰ روانه آنتن شبکه دوی سیما می‌شود و ساعت پخش آن برای هفته‌های آتی مجددا خدمت مخاطبان اطلاع‌رسانی خواهد شد.



خیلی بد زمین خوردم. یعنی اسب تاخت رفت و من روی زمین افتادم و ترسیدم. به همین خاطر وقتی ضبط شروع شد، من در عین حال که از اسب می‌ترسیدم باید دیالوگ‌های به این سختی هم می‌گفتم و تمرکزم را حفظ می‌کردم. سرما و گرما هم جزو سختی‌های کار بود. خاطرم هست در لوکیشن خانه لطفعلی ما باید درباره چیزهای مهمی صحبت می‌کردیم. در عین حال از سرما هم می‌لرزیدیم. بنابراین شرایط خیلی سخت اما قشنگی بود.

کار کردن با آقای هاشمی به عنوان کارگردان سریال چطور بود؟ چقدر دست شما را برای خلاقیت و ایده‌پردازی باز می‌گذاشت؟

کار کردن با آقای هاشمی بسیار لذت‌بخش بود. آقای هاشمی کوله‌باری از تجربیاتی را که در برنامه‌ریزی و دستیاری داشت، در این کار خرج کرد و باعث شد همه بازیگران به راحتی به او اعتماد کنند و هر کدام با ایده سر صحنه بیایند. این اعتماد و مدیریت کارگردان به بازیگر اعتماد به نفس می‌دهد. ضمن این‌که به شدت از ایده‌ها و خلاقیت در کار استقبال می‌کرد. در حرفه ما گپ و گفت‌وگو کارگردان و بازیگر خیلی مهم است.

چه بازخوردی از مخاطبان سریال گرفتید و چه نظراتی درباره کلیت سریال و نقش ماه‌منیر داشتند؟ آیا در بازخوردها متوجه شدید مردم چقدر این نوع قصه‌گویی را دوست دارند؟

من در فضای مجازی با نظرات خوبی درباره سریال روبه‌رو شدم. حتی کسانی که می‌گفتند ما تلویزیون تماشا نمی‌کنیم هم مخاطب این سریال هستند. برای من نه صرفاً به عنوان بازیگر این سریال که به عنوان یک تماشاگر و مخاطب مستوران، خیلی جذاب است. چون یاد جملات مادرم می‌افتم که می‌گفت قدیم‌ها که تلویزیون نبود، دور هم زیر کرسی می‌نشستند و بزرگ‌ترا می‌گفتند: «یکی بود یکی نبود» و هر کسی قصه‌ای داشت و تعریف می‌کرد. مدل روایت این داستان من را به یاد این حرف مادرم می‌اندازد. ضمن این‌که راوی و دوبیتی‌هایی را که خانم قاسمی ابتدای سریال می‌خوانند، هم دوست دارم و به نظرم جذاب و متفاوت است و مخاطب را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

با توجه به تجربیاتی که از این کار به دست آوردید، دوست دارید باز هم در چنین فضایی قرار بگیرید و نقشی را بازی کنید که برگرفته از ادبیات کهن است؟

کار سختی است. اما این فضا را دوست دارم؛ چون کاری است که حرفی برای گفتن دارد و فضای متفاوتی به نسبت سایر کارها دارد.



برای دیدن بخش‌هایی از فیلم جست‌و‌خیز در دفتر یادداشت با اسکن کنید